

## مری با چشم‌های حادثه‌ساز



محمد باوری  
روزنامه‌نگار

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

در حادثه

گره‌حوادث/ مرد میانسال که پس

از قتل همسر دومش دچار عذاب

وجدان شده و با بریدن رگ دستش

قصد خودکشی داشت وقتی خود را در

یک قدمی مرگ دید پشیمان شد و با

اورژانس تماس گرفت.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»،

شامگاه ۲۸ فروردین مردی میانسال

که به سختی حرف می‌زد با کلماتی

بریده بریده از مرگ همسرش و

زخمی شدن خودش خبر داد و

درخواست کمک کرد. وی به سختی

آدرس خانه‌اش در محدوده میدان

امام حسین(ع) را به امدادگران

اورژانس داد. اما وقتی امدادگران به

خانه این مرد رفتند و با جسد مرد زن

و بدن نیمه جان مرد ۶۰ ساله رو به رو

شدند موضوع را به پلیس خبر دادند.

به دنبال اعلام این خبر بازپرس

کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی

صحنه جرم بلافاصله راهی محل

شده و با حضور در خانه با جسد زنی

در حالی که جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

و جسد او در خون غرق شده

# ترس شوهر از مرگ راز جنایتی را فاش کرد

میانسال پس از بهبودی را صادر

کرد. بدین ترتیب روز پنجشنبه مرد

میانسال پس از ترخیص از بیمارستان

به دادسرا منتقل شد و در تحقیقات

به قتل همسرش به خاطر اختلافات

خوواندگی اعتراف کرد.

■ گفت‌وگو با متهم

چرا همسرت را به قتل رساندی؟

از دست او خسته شده بودم. منیژه

همسر دومم بود اما همیشه سر

ناسازگاری داشت.

همسر اولت چه شد؟

او را طلاق دادم با هم سازش

نداشتیم، در سال ۹۱ بعد از ۳۰ سال

زندگی مشترک از همسر اولم جدا

شدم تا تنش‌های زندگی‌ام تمام شود

اما اشتباه کردم.

■ منیژه چطور آشنا شدی؟

از آشنایان یکی از دوستانم بود که در

شمال کشور زندگی می‌کرد. دوستم

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم

که تازه از همسرم جدا شده بودم و

در حال جدایی از همسرم بودم.

منیژه را به من معرفی کرد و منم